

## شهید هادی گنجه



ازتبار علی  
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	عباسی
تاریخ تولد	۱۳۳۶/۰۸/۰۹
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۱۰/۲۹
محل شهادت	سرپل ذهاب
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	کشاورز
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	آباد

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید هادی گنجه در نخستین بهار سال ۱۳۳۶، همچون غنچه بهاری در دامن پاک خانواده‌ای مومن و مستضعف، در روستای آباد از توابع شهرستان تنگستان دیده به جهان باز کرد. سال‌های طفولیت را در زادگاهش سپری نمود، تا اینکه در سن هفت سالگی جهت کسب علم و دانش قدم به مدرسه نهاد.

هادی باهوش سرشاری که داشت، سالهای اولیه تعلیمات ابتدایی را همزمان با فراگیری قرآن در مکتب خانه در روستای آباد با موفقیت پشت سر گذاشت. تنگناهای زندگی در روستا و مشکلات خانوادگی میدان مبارزه تازه‌ای پیش روی او قرار داد. این امر باعث شد تا پس از پایان کلاس چهارم ابتدایی، مدرسه را ترک کند و در همان سنین کودکی به شغل دام پروری روی آورد، شاید که در تدارک معاش خانواده بیش از پیش موثر افتد. طی سال‌های دامداری، هر روز بر مشکلات و گرفتاری‌های خانواده افزوده می‌شد، تا این که دام پروری را کنار گذاشت و این بار راهی شهر بوشهر شد.

کار در بوشهر را در حالی که تنها ۱۴ سال داشت، با کارگری در شرکت «تسا» شروع کرد. بعد از تقریباً دو سال کار در این شهر، کارگری را رها کرد و مجدداً به زادگاهش برگشت و به کار کشاورزی مشغول شد. در سن ۱۸ سالگی به خدمت مقدس سربازی فرا خوانده شد، اما بعد از حدود دو ماه آموزش نظامی از خدمت معاف گردید. با تشکیل پایگاه مقاومت بسیج در روستای آباد به عضویت این نهاد در آمد. در همین زمان بایکی از بستگان نامزد کرد، اما او که از یک سو عاشق امام حسین (ع) و داوطلب شهادت بود و از سوی دیگر به خدمت و فعالیت در بسیج، علاقه داشت، همچنین حضور در جبهه‌های جنگ را بسیار دوست می‌داشت. او مشتاقانه برای دفاع از دین و میهن قدم به عرصه جهاد گذاشت، با دلیری و شجاعت تمام در مقابل دشمنان اسلام و ایران ایستادگی کرد، تا اینکه سرانجام در بیست و نهم دیماه ۱۳۶۱ در مشهد سرپل ذهاب لقا حق را لبیک گفت و به دیدار معبود خود شتافت.

عباس گنجه فرزند غلامحسین، در اول مهرماه سال ۱۳۰۹ شمسی در خانواده‌ای مؤمن و مستضعف در روستای آباد از توابع شهرستان تنگستان قدم به عرصه‌ی هستی گذاشت. از آن جایی که پدرش به کشاورزی و دامپروری اشتغال داشت، در همان ابتدای کودکی به کار کشاورزی و دامداری پرداخت. گرفتاری‌های زندگی روزمره باعث شد تا عباس از درس مدرسه به دور ماند. کارهای دشوار کشاورزی از او مردی آماده‌ی زندگی و پذیرای روزهای سخت ساخت. با ازدواج و تشکیل خانواده، به تربیت فرزندان و همچون شهید هادی گنجه همت گماشت. در سال ۱۳۷۱ همسرش دیده از جهان فرو بست و به ناچار برای اداره زندگی، مجدداً ازدواج کرد. گنجه، در حال حاضر همچنان با کار کشاورزی در کنار همسر و فرزندان در روستای زادگاهش زندگی می‌کند.

فاطمه زارع، مادر شهید هادی گنجه در خرداد ماه سال ۱۳۱۵ شمسی در خانواده‌ی مؤمن و مذهبی مرحوم زایر خضر زارع، در روستای آباد از توابع شهرستان تنگستان چشم به جهان گشود. هرچند والدینش از بضاعت مالی نسبتاً خوبی برخوردار بودند، لکن محرومیت‌های زندگی در روستا و فقدان امکانات تحصیلی در محل، او را از کسب علم و دانش محروم ساخت. کودکی و نوجوانی را در خانواده‌ی پدری گذراند تا این که در جوانی ازدواج نمود. مسئولیت زندگی خانوادگی در کنار کار کشاورزی که دوشادوش همسرش بر عهده داشت، از او همسری دلسوز و مادری مهربان و صبور ساخت. در نتیجه‌ی ازدواجش فرزندان متولد و تربیت شدند که بعدها در صف مجاهدان شهید راه خدا قرار گرفتند. شهید هادی گنجه، دومین فرزند این مادر قهرمان پرور بود. با تحمل سال‌ها سختی، سرانجام در سال ۱۳۷۱ به سرای جاودانی شتافت.

## وصیت نامه

### وصیت نامه شهید هادی گنجه

«ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیا» عند ربهم یرزقون»

«کشته شدگان در راه خدا را مرده نپندارید که آنان زنده و در نزد خدا روزی می خورند.»

در روزگاری که می رود تا انقلاب خونبار امت مسلمان و حزب الهی ایران به رهبری امام و مرجع عالی قدر، حضرت امام خمینی بر سرتاسر جهان اسلام گسترش یابد، امت حزب الهی ایران به رهبری زعیم عالیقدر خود تاکنون در مقابل همه ی توطئه های داخلی و خارجی چون کوه مقاوم و استوار ایستاده است . ابرقدهای شرق و غرب را به زانو در آمده و خمینی کبیر ، قدرت تفکر را از ایشان گرفته است .

از پدر و مادرم می خواهم چنانچه شهید شدم برایم گریه نکنند و از خداند برای من طلب آمرزش نمایند. از همه خواهران و برادران طلب آمرزش می نمایم.

هادی گنجه

والسلام

### وصیت نامه شهید هادی گنجه

«ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیا» عند ربهم یرزقون»

«کشته شدگان در راه خدا را مرده نپندارید که آنان زنده و در نزد خدا روزی می خورند.»

در روزگاری که می رود تا انقلاب خونبار امت مسلمان و حزب الهی ایران به رهبری امام و مرجع عالی قدر، حضرت امام خمینی بر سرتاسر جهان اسلام گسترش یابد، امت حزب الهی ایران به رهبری زعیم عالیقدر خود تاکنون در مقابل همه ی توطئه های داخلی و خارجی چون کوه مقاوم و استوار ایستاده است . ابرقدهای شرق و غرب را به زانو در آمده و خمینی کبیر ، قدرت تفکر را از ایشان گرفته است .

از پدر و مادرم می خواهم چنانچه شهید شدم برایم گریه نکنند و از خداند برای من طلب آمرزش نمایند. از همه خواهران و برادران طلب آمرزش می نمایم.

هادی گنجه

والسلام

## مصاحبه

### سجایای اخلاقی شهید گنجه

هادی دومین فرزند خانواده گنجه بود که در دامن پدر و مادری مومن و مسلمان تربیت شده بود. تحت تأثیر تربیت و تعالیم مذهبی که از خانواده گرفته بود، جمیع صفات و خصوصیات اخلاقی نیکو و پسندیده ای که شایسته یک فرد مسلمان است، در وی متبلور بود. از همان ابتدای کودکی در کنار تعلیمات رسمی مدرسه ای به تعالیم مکتبی نیز همت گماشت و با تحصیل در مکتب، قرآن را آموخت و مهم تر از آن در حالی که هنوز مکلف نبود، تکالیف شرعی را به خوبی انجام می داد. در دوران کودکی نماز می خواند و روزه می گرفت.

از زمانی که به سن تکلیف رسید، پای بندی او به اصول و فروع دین بیش از پیش شد تا آن جا که در حین انجام فعالیت های دشوار دامداری، کارگری و کشاورزی در گرمای طاقت فرسای جنوب، هیچ گاه نماز و روزه اش ترک یا حتی قضا نمی شد. تقوا و خلوص ایمان وی سبب شده بود تا در دل اطرافیان خود جایگاه خاصی پیدا کند.

هادی در کنار این صفات اخلاقی پسندیده، دارای محاسن اخلاقی دیگری همچون، مهربانی و خوش رویی نیز بود. آن چنان مهربان بود که اطرافیان شیفته او شده بودند و همیشه مایل بودند با او مباشرت داشته باشند. در جمع دوستان خود با زبان شیرین و جذابی که داشت، ساعت ها آنها را به وجد می آورد. علاقه زیادی به ارتباط و رفت و آمد با دوستان و خصوصاً خویشاوندان داشت. تقریباً همه شب به دیدن بستگان می رفت و در سخت ترین شرایط زندگی از این مهم دست بر نمی داشت

شهید گنجه علاوه بر این که خود از صفات و ویژگی های شخصیتی بارزی همچون، ایمان، اخلاق، مهربانی، اخلاق نیکو، صبر، شجاعت و ساده زیستی بهره مند بود، همیشه نزدیکان خود را به این خصوصیات پسندیده به ویژه تقوا و پرهیزگاری توصیه می کرد و می گفت:

نام نیکوگر بماند ز آدمی      به کز او ماند سرای زرنگار

او انسانی الهی بود که در قفس تنگ دنیا آرام و قرار نداشت و از شوق دیدار معشوق و معبود خویش سر از پا نمی ساخت تا سرانجام پاداش خود را در آرامش ابدی در جوار او یافت.

### خاطره ای از شهید هادی گنجه

زندگی پر خاطره شهید گنجه سراسر در س سخت کوشی پایداری، مبارزه و اخلاص است. تلاش او در تمامی عرصه های زندگی و تنوع فعالیت های او، خاطرات شیرین و ماندگاری را در جبهه های مختلف زندگی از دامپروری تا کارگری، کشاورزی و جهاد و دفاع از ناموس و مکتب به یادگار گذاشته است. شهید از زمانی که به عضویت بسیج در آمد. همواره واژه زیبای شهادت را بر لب داشت و همیشه با خود زمزمه می کرد که:

بهار آمد به صحرا و درودشت      جوانی هم بهاری بود و بگذشت

سر قبر جوانان گل بروید      دمی که مهوشان آیند به گل گشت

هادی در روزهایی که مشغول به کار کشاورزی بود، همواره شهادت را آرزو می کرد و بارها با صدای بلند در جمع اطرافیان و دوستان خود فریاد می زد و می گفت نگاه کنید تا وقتش، من شهید خواهم شد. در مزرعه در کرت های

تنباکو دراز می کشید و می گفت ببینید من شهید شدم ، حالا بیاید مرا در گلزار شهدا دفن کنید (گلزار شهدایی که بعداً به نام مبارک خودش که اولین شهید روستای آباد است مزین و موسوم گردید). عمو و پسر عموها و دوستانش که با او کار می کردند، او را به شوخی با یکی دو بیل خاک به صورت نمادین دفن می کردند. نا اینکه بالاخره به آرزوی دیرینه خود دست یافت و سرانجام شربت شیرین شهادت را نوش جان کرد. دقیقاً به خاطر دارم ، روزی که پیکر پاکش تشییع می شد ، باران شدیدی می بارید و تا چند سال بعد هم در سالروز شهادتش هوا ابری و بارانی می شد و باران می بارید. آری او رو به خدا داشت و خدا هم به او نظر داشت و البته که از مردان خدا جز این انتظاری نیست.

۱ به نقل از خواهر شهید گنجه

### سجایای اخلاقی شهید گنجه

هادی دومین فرزند خانواده گنجه بود که در دامن پدر و مادری مومن و مسلمان تربیت شده بود. تحت تأثیر تربیت و تعالیم مذهبی که از خانواده گرفته بود، جمیع صفات و خصوصیات اخلاقی نیکو و پسندیده ای که شایسته یک فرد مسلمان است، در وی متبلور بود. از همان ابتدای کودکی در کنار تعلیمات رسمی مدرسه ای به تعالیم مکتبی نیز همت گماشت و با تحصیل در مکتب ، قرآن را آموخت و مهم تر از آن در حالی که هنوز مکلف نبود، تکالیف شرعی را به خوبی انجام می داد. در دوران کودکی نماز می خواند و روزه می گرفت.

از زمانی که به سن تکلیف رسید، پای بندی او به اصول و فروع دین بیش از پیش شد تا آن جا که در حین انجام فعالیت های دشوار دامداری، کارگری و کشاورزی در گرمای طاقت فرسای جنوب، هیچ گاه نماز و روزه اش ترک یا حتی قضا نمی شد. تقوا و خلوص ایمان وی سبب شده بود تا در دل اطرافیان خود جایگاه خاصی پیدا کند.

هادی در کنار این صفات اخلاقی پسندیده، دارای محاسن اخلاقی دیگری همچون، مهربانی و خوش رویی نیز بود. آن چنان مهربان بود که اطرافیان شیفته او شده بودند و همیشه مایل بودند با او مباشرت داشته باشند. در جمع دوستان خود با زبان شیرین و جذابی که داشت، ساعت ها آنها را به وجد می آورد. علاقه زیادی به ارتباط و رفت و آمد با دوستان و خصوصاً خویشاوندان داشت. تقریباً همه شب به دیدن بستگان می رفت و در سخت ترین شرایط زندگی از این مهم دست بر نمی داشت

شهید گنجه علاوه بر این که خود از صفات و ویژگی های شخصیتی بارزی همچون، ایمان، اخلاق، مهربانی ، اخلاق نیکو، صبر، شجاعت و ساده زیستی بهره مند بود، همیشه نزدیکان خود را به این خصوصیات پسندیده به ویژه تقوا و پرهیزگاری توصیه می کرد و می گفت:

نام نیکوگر بماند ز آدمی      به کز او ماند سرای زرنگار

او انسانی الهی بود که در قفس تنگ دنیا آرام و قرار نداشت و از شوق دیدار معشوق و معبود خویش سر از پا نمی شناخت تا سرانجام پاداش خود را در آرامش ابدی در جوار او یافت.

### خاطره ای از شهید هادی گنجه

زندگی پر خاطره شهید گنجه سراسر در س سخت کوشی پایداری ، مبارزه و اخلاص است. تلاش او در تمامی عرصه های زندگی و تنوع فعالیت های او، خاطرات شیرین و ماندگاری را در جبهه های مختلف زندگی از دامپروری تا کارگری، کشاورزی و جهاد و دفاع از ناموس و مکتب به یادگار گذاشته است. شهید از زمانی که به عضویت بسیج در آمد. همواره واژه زیبای شهادت را بر لب داشت و همیشه با خود زمزمه می کرد که:

جوانی هم بهاری بود و بگذشت

بهار آمد به صحرا و درودشت

دمی که مهوشان آیند به گل گشت

سر قبر جوانان گل بروید

هادی در روزهایی که مشغول به کار کشاورزی بود، همواره شهادت را آرزو می کرد و بارها با صدای بلند در جمع اطرافیان و دوستان خود فریاد می زد و می گفت نگاه کنید تا وقتش ، من شهید خواهم شد . در مزرعه در کرت های تنباکو دراز می کشید و می گفت ببینید من شهید شدم ، حالا بیاید مرا در گلزار شهدا دفن کنید (گلزار شهدایی که بعداً به نام مبارک خودش که اولین شهید روستای آباد است مزین و موسوم گردید). عمو و پسر عموها و دوستانش که با او کار می کردند، او را به شوخی با یکی دو بیل خاک به صورت نمادین دفن می کردند. تا اینکه بالاخره به آرزوی دیرینه خود دست یافت و سرانجام شربت شیرین شهادت را نوش جان کرد. دقیقاً به خاطر دارم ، روزی که پیکر پاکش تشییع می شد ، باران شدیدی می بارید و تا چند سال بعد هم در سالروز شهادتش هوا ابری و بارانی می شد و باران می بارید. آری او رو به خدا داشت و خدا هم به او نظر داشت و البته که از مردان خدا جز این انتظاری نیست.

۱ به نقل از خواهر شهید گنجه



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران